

بیت الاحرار
حکومت اسلامی



دانشگاه معارف اسلامی

پایان نامه دکتری

گروه: مدرسی معارف اسلامی

گرایش اخلاق اسلامی

عنوان:

مناسبات فقه و اخلاق

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن وحدتی شبیری

اساتید مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی شمالی

جناب آقای دکتر محسن جوادی

نگارش:

محمد هدایتی

۱۳۹۱

کلیه حقوق این پایان نامه اعم از چاپ،
تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و ...
برای دانشگاه معارف اسلامی محفوظ
است، نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع
است.

پیش‌کشی بسیار ناچیز به آستان نور و رحمت بی بی دو عالم

حضرت فاطمه زهرا و پدر گرامی و همسر والامقام و فرزندان

پاکشان :: به امید آنکه خرسندی آن ذوات را سبب گردد تا توفیق و

تأییدی باشد در دنیا و شفاعت و رحمتی شود در آخرت و عقبی؛

بمنّه و کرمه.

مقام معظم رهبری آية الله العظمى خامنه‌ای:

«گوهرانی به معنای جستجو و کاوش برای رسیدن به اندیشه نو و دانش نو و راه‌های نو، عمل‌پسنیده و موجب ترقی و پیشرفت است. در طرف مقابل، تجر و تعصب کورکورانه و کمر بستن از منطق و استدلال، یک آفت بزرگ و خطرناک است.»

با تقدیر و سپاس از اساتید فاضل و ارجمندی که در رهنمایی و مشاوره این رساله بذل

محبت فرمودند: جناب محمدرضا اسلامی و المسلمین، دکتر سید حسن و محمدی شبیری، جناب

محمدرضا اسلامی و المسلمین، دکتر محمدعلی سمایی و جناب آقای دکتر محسن جوادی (ولایت)

توفیقاً بهم

چکیده:

مناسبات فقه و اخلاق در پی بررسی ارتباط پایه‌ای میان دانش فقه و دانش اخلاق است و به تشخیص حقیقت این دو علم و شفاف‌سازی رابطه میان آن دو گونه که هستند و آن گونه که باید باشند، می‌پردازد. این بحث که در اساس با نگاه درجه دو به این دانشها انجام می‌گیرد پس از ریشه‌یابی لغوی فقه، به تعاریف اصطلاحی آن پرداخته و عوامل انحصار فقه در احکام عملی و رفتاری را بررسی می‌کند تا خاستگاه تاریخی جدایی فقه از اخلاق آشکار گردد؛ سپس با تبیین اجزای علم فقه و مشخصات آن، زمینه ارائه نظریات مختلف درباره مناسبات این دانش با اخلاق را فراهم می‌کند.

علم اخلاق که درباره صفات خوب و بد بینشی و گرایشی و حالات و ملکات و نیز رفتارهای متناسب با آنها گفتگو می‌کند، هرچند ماهیتی مستقل از دین داشته ولی از جهات مختلفی به آن وابسته است که اصلی‌ترین آنها عبودیت در اخلاق است. بندگی در اخلاق و عبودیت در صراط هدایت به توحید که با التزام به روش‌های دینی و واجبات و پرهیز از حرام‌ها و مبغوض‌های الهی همراه است از سوی علم اخلاق به منزله حلقه پیوند دهنده میان آن و دانش فقه است؛ چنانکه عقلانیت دینی از سوی فقه در پیوند با اخلاق و ادب‌های اخلاقی نقش اساسی دارد.

درباره مناسبات فقه و اخلاق دو دیدگاه عمده فرض می‌شود. نخست دیدگاه جدا انگاری و انفصال که به بینونت میان آن دو می‌اندیشد و پیوند و اشتراکی بین آنها قائل نیست. حال این بریدگی یا با نوعی ناسازگاری و رمیدگی از هم همراه است و یا اینکه این دو علم صرفاً جدای از هم بوده و بدون ارتباط با هم هر کدام بعدی از حیات انسانی را تأمین می‌کند. البته نظری که آشکارا به تنافر این دو دانش باور داشته باشد دیده نشده است ولی بعضی به تعدادی از چالش‌های میان این دو علم اشاره کرده اند که یا آن‌ها را بدوی دانسته که با دقت و بررسی همه جانبه حل می‌شود و یا به وجود واقعی چالش‌ها اذعان کرده و حل آن را به سریان اخلاق در فقه و پیوند میان این دو و تحقق فقه بایسته و مطلوب می‌دانند. چنانکه کسی که معتقد به جدایی کامل و بریدگی همه جانبه میان این دو دانش باشد یافت نشده است و تنها برخی به حوزه‌هایی تصریح می‌کنند که در آنها به جدایی و تفرق میان علم فقه و اخلاق اشاره شده است. دیدگاه دوم به ارتباط و پیوستگی میان این دو دانش باور دارد و آن‌ها را به نحوی متحد دانسته و یا به پیوند و وابستگی میان آن دو در ساحت‌های مختلف تاکید دارد. از این دو نظر در دیدگاه دوم که هر کدام هم قائل دارد، رأی دوم که مربوط به پیوند و وابستگی میان این دو دانش است قابل دفاع است و در میان عوامل و ابزارهایی که برای پیوستگی میان آنها بیان شده مدل عقلانیت دینی به عنوان عامل اساسی و برگزیده ارائه می‌گردد.

عقلانیت دینی در تقابل با عقلانیت یونانی که با تقسیم عقل به نظری و عملی به تفکیک بعد گرایشی از جنبه بینشی انسان نظر دارد، کاربست درست عقل‌ورزی در ساحت فقه و استنباط را معرفی کرده و در مقابل اجتهاد نقل محور که از عقل نهایتاً در تأمل در متون و هماهنگ‌سازی آنها و به عنوان ابزاری برای رفع تعارض‌های اولیه بهره می‌گیرد به بازنگری و اصلاح فقهی هم به لحاظ منبع و هم به لحاظ روش و ساختار فکری در اجتهاد توجه می‌دهد.

واژگان کلیدی: فقه، اخلاق، ادب، بندگی، عقلانیت، عقل نظری، عقل عملی.

فهرست مطالب

مقدمه ۱

۱. بخش اول: کلیات

۱-۱. تبیین بحث	۵
۱-۱-۱. بیان مسئله	۵
۱-۱-۲. جایگاه بحث	۶
۱-۱-۳. هدف	۶
۱-۱-۴. اهمیت	۷
۱-۱-۵. پرسش تحقیق	۸
۱-۱-۶. فرضیه‌های تحقیق	۸
۱-۲. پیشینه پژوهش	۸
۱-۳. روش پژوهش	۱۳

۲. بخش دوم: شناخت فقه و اخلاق

۲-۱. فصل اول: پیشینه دانش فقه و اخلاق در تقسیم علوم	۱۹
۲-۱-۱. تاریخ تقسیم علوم	۱۹
۲-۱-۲. دانش فقه و اخلاق در تقسیم علوم	۲۳
۲-۱-۲-۱. روش قرآن و روایات	۲۳
۲-۱-۲-۲. برداشت از یک روایت	۲۴
۲-۱-۲-۳. روایات فرض و فضل	۲۵
۲-۱-۳. تقسیم فوق در دیدگاه گفتگوها	۲۹
۲-۱-۴. نتیجه فصل	۳۰

۳۱	۲-۲. فصل دوم: شناخت فقه
۳۱	۱-۲-۲. لغت فقه
۳۱	۱-۲-۲.۱. معنای فقه در کتب لغت
۳۳	۲-۲-۲.۲. ریشه‌شناسی لغوی فقه
۳۴	۳-۲-۲. کاربرد فقه در قرآن کریم
۳۶	۴-۲-۲. کاربرد فقه در روایات
۴۰	۲-۲-۲. اصطلاح فقه
۴۰	۱-۲-۲-۲. اصطلاح نخست: فهم معارف دین
۴۳	۲-۲-۲-۲. اصطلاح دوم: فهم احکام عملی دین
۴۴	۱-۲-۲-۲-۲. تاریخ اصطلاح دوم
۴۵	۱-۲-۲-۲-۲. تخصیص‌هایی در این اصطلاح
۴۶	۲-۲-۲-۲-۲. تدوین فقه
۴۹	۳-۲-۲-۲-۲. پیدایش عنوان فقهاء
۵۱	۲-۲-۲-۲-۲. خاستگاه اصطلاح دوم
۵۱	۱-۲-۲-۲-۲-۲. احساس نیاز بیشتر به پرسش از اعمال شرعی
۵۳	۲-۲-۲-۲-۲-۲. حاکمیت و تناسب با تولید احکام رفتاری
۵۳	۳-۲-۲-۲-۲-۲. شریعت و انحصار آن در احکام عملی
۵۴	۴-۲-۲-۲-۲-۲. ثواب و عقاب و جایگاه عمل
۵۵	۵-۲-۲-۲-۲-۲. اهمیت حلال و حرام و انحصار آن در اعمال
۵۷	۶-۲-۲-۲-۲-۲. واژه تکلیف و بار مسئولیت آن در احکام عملی
۵۹	۷-۲-۲-۲-۲-۲. سادگی و در دسترس بودن اعمال ظاهری
۶۰	۳-۲-۲-۲-۲. اصطلاح سوم: علم فقه
۶۴	۱-۳-۲-۲-۲. موضوع
۶۶	۱-۱-۳-۲-۲-۲. امکان تعلق تکلیف به صفات
۶۹	۲-۱-۳-۲-۲-۲. شریعت سهل و ابتلای عمومی به صفات رذیله
۷۳	۳-۱-۳-۲-۲-۲. نمونه‌هایی از احکام تکلیفی صفات
۷۴	۲-۳-۲-۲-۲. مسائل و احکام
۷۶	۳-۳-۲-۲-۲. فایده و غرض
۷۷	۴-۳-۲-۲-۲. اهمیت و فضیلت
۷۹	۵-۳-۲-۲-۲. ادله و منابع

۸۰ قرآن کریم ۱-۵-۳-۲-۲-۲
۸۳ سنت ۲-۵-۳-۲-۲-۲
۸۵ جایگاه اهل بیت : در سنت ۱-۲-۵-۳-۲-۲-۲
۸۸ سنت و حدیث ۲-۲-۵-۳-۲-۲-۲
۸۹ ویژگی‌های حدیث و اصحاب آن ۳-۲-۵-۳-۲-۲-۲
۸۹ جعل و کذب فراوان ۱-۳-۲-۵-۳-۲-۲-۲
۹۱ غیر مفید علم ۲-۳-۲-۵-۳-۲-۲-۲
۹۲ مسامحه و بی‌دقتی ۳-۳-۲-۵-۳-۲-۲-۲
۹۲ مضامین تقیه‌ای و موردی ۴-۳-۲-۵-۳-۲-۲-۲
۹۳ نقل به معنا ۵-۳-۲-۵-۳-۲-۲-۲
۹۴ نص محوری و جمود بر متن حدیث ۶-۳-۲-۵-۳-۲-۲-۲
۹۵ انتظار زیادی از روایات ۷-۳-۲-۵-۳-۲-۲-۲
۱۰۰ اجماع ۳-۵-۳-۲-۲-۲
۱۰۲ عقل ۴-۵-۳-۲-۲-۲
۱۱۳ حسن و قبح ۱-۴-۵-۳-۲-۲-۲
۱۱۵ مصلحت و مفسده ۲-۴-۵-۳-۲-۲-۲
۱۱۶ قانون ملازمه ۳-۴-۵-۳-۲-۲-۲
۱۱۷ بنای عقلا ۴-۴-۵-۳-۲-۲-۲
۱۱۹ تقسیمات ۶-۳-۲-۲-۲
۱۱۹ فقه و سایر علوم ۷-۳-۲-۲-۲
۱۲۳ نتیجه فصل ۳-۲-۲
۱۲۵ فصل سوم: شناخت اخلاق ۳-۲-۲
۱۲۵ لغت اخلاق ۱-۳-۲
۱۲۷ اصطلاح علم اخلاق ۲-۳-۲
۱۲۷ تاریخ علم اخلاق ۳-۳-۲
۱۲۹ حکمت عملی و اخلاق ۴-۳-۲
۱۳۰ علم، صنعت، فن و هنر ۵-۳-۲
۱۳۱ تعریف علم اخلاق ۶-۳-۲
۱۳۴ موضوع علم اخلاق ۷-۳-۲
۱۳۵ تحدید موضوع ۱-۷-۳-۲

- ۱۳۶ گستره موضوع. ۲-۷-۳-۲
- ۱۳۶ صفات خوب و صفات بد. ۱-۲-۷-۳-۲
- ۱۳۷ ملکه و حال. ۲-۲-۷-۳-۲
- ۱۳۹ گرایش و بیش. ۳-۲-۷-۳-۲
- ۱۴۰ صفت و رفتار. ۴-۲-۷-۳-۲
- ۱۴۶ مفاهیم و احکام اخلاقی. ۸-۳-۲
- ۱۵۰ هدف. ۹-۳-۲
- ۱۵۱ اهمیت علم اخلاق. ۱۰-۳-۲
- ۱۵۱ اخلاق و آغاز خلقت. ۱-۱۰-۳-۲
- ۱۵۲ اخلاق و آفرینش انسان. ۲-۱۰-۳-۲
- ۱۵۲ اخلاق در دین. ۳-۱۰-۳-۲
- ۱۵۴ اخلاق در فقه. ۴-۱۰-۳-۲
- ۱۵۴ هدف احکام دین. ۱-۴-۱۰-۳-۲
- ۱۵۵ اشتغال احکام بر اخلاق. ۲-۴-۱۰-۳-۲
- ۱۵۶ نقش اخلاق در تأثیر احکام دین. ۳-۴-۱۰-۳-۲
- ۱۵۶ جایگاه علمی اخلاق. ۴-۴-۱۰-۳-۲
- ۱۵۷ گلیه بزرگان از بی‌مهری به اخلاق. ۵-۴-۱۰-۳-۲
- ۱۵۸ ادله و منابع. ۱۱-۳-۲
- ۱۵۹ رابطه دین و اخلاق. ۱۲-۳-۲
- ۱۶۰ عدم وابستگی اخلاق به دین. ۱-۱۲-۳-۲
- ۱۶۱ اختلاف و ناسازگاری اخلاق با دین. ۱-۱-۱۲-۳-۲
- ۱۶۱ انگیزه و نیت. ۱-۱-۱۲-۳-۲
- ۱۶۱ از خود بیگانگی. ۲-۱-۱۲-۳-۲
- ۱۶۳ انحلال و زوال تدریجی اخلاق. ۳-۱-۱۲-۳-۲
- ۱۶۳ انعطاف ناپذیری و عدم مطابقت با شرایط متغیر. ۴-۱-۱۲-۳-۲
- ۱۶۴ خشونت و سختی. ۵-۱-۱۲-۳-۲
- ۱۶۶ عادی نبودن و مخالفت با عرف. ۶-۱-۱۲-۳-۲
- ۱۶۶ اباحه و ترخیص در خلاف. ۷-۱-۱۲-۳-۲
- ۱۶۸ استقلال و جدایی اخلاق از دین. ۲-۱-۱۲-۳-۲
- ۱۶۹ ذاتی بودن خوبی و بدی و امکان فهم آنها. ۱-۲-۱-۱۲-۳-۲

۱۷۳ ۲-۲-۱-۱۲-۳-۲ وقوع اخلاق بدون دین
۱۷۳ ۳-۲-۱-۱۲-۳-۲ مقدمه پذیرش دین
۱۷۴ ۴-۲-۱-۱۲-۳-۲ دینی بودن اخلاق
۱۷۵ ۲-۱۲-۳-۲ وابستگی اخلاق به دین
۱۷۵ ۱-۲-۱۲-۳-۲ وابستگی جزء و کل
۱۷۵ ۲-۲-۱۲-۳-۲ پیوندهای گوناگون اخلاق با دین
۱۷۶ ۱-۲-۲-۱۲-۳-۲ ارتباط بینشی
۱۷۶ ۱-۱-۲-۲-۱۲-۳-۲ بنیان ارزش‌های اخلاقی
۱۷۷ ۲-۱-۲-۲-۱۲-۳-۲ حقیقت دنیا و پایداری آخرت
۱۷۹ ۳-۱-۲-۲-۱۲-۳-۲ ارزش و کرامت انسان
۱۸۱ ۴-۱-۲-۲-۱۲-۳-۲ شیطان و دشمنی او
۱۸۴ ۵-۱-۲-۲-۱۲-۳-۲ شناخت مصادیق و نمونه‌ها
۱۸۵ ۲-۲-۲-۱۲-۳-۲ ارتباط گرایشی
۱۸۵ ۱-۲-۲-۲-۱۲-۳-۲ وعده‌های تشویقی و تنبیهی
۱۸۶ ۲-۲-۲-۲-۱۲-۳-۲ تذکر و غفلت زدایی
۱۸۶ ۳-۲-۲-۲-۱۲-۳-۲ مراقبت پنهان و همیشگی
۱۸۷ ۳-۲-۲-۱۲-۳-۲ ارتباط روشی: عبودیت
۱۸۸ ۱-۳-۲-۲-۱۲-۳-۲ معنای عبودیت
۱۹۱ ۲-۳-۲-۲-۱۲-۳-۲ اهمیت عبودیت
۱۹۲ ۳-۳-۲-۲-۱۲-۳-۲ عبودیت و اخلاق
۱۹۳ ۱-۳-۳-۲-۲-۱۲-۳-۲ روح اخلاق
۱۹۵ ۲-۳-۳-۲-۲-۱۲-۳-۲ عامل‌های اثر گذار
۱۹۵ ۱-۲-۳-۳-۲-۲-۱۲-۳-۲ محبت و شیفتگی
۱۹۶ ۲-۲-۳-۳-۲-۲-۱۲-۳-۲ الگوهای محبوب
۱۹۶ ۳-۲-۳-۳-۲-۲-۱۲-۳-۲ استعانت و توکل
۱۹۸ ۴-۲-۳-۳-۲-۲-۱۲-۳-۲ عبادات
۱۹۹ ۱۳-۳-۲ ادب
۲۰۰ ۱-۱۳-۳-۲ اهمیت و جایگاه ادب
۲۰۲ ۲-۱۳-۳-۲ لغت‌شناسی ادب
۲۰۵ ۳-۱۳-۳-۲ اصطلاح نخست ادب

مناسبات فقه و اخلاق و

۲۰۵ ۱-۳-۱۳-۳-۲ هیئت نیکو و ظریف
۲۰۵ ۲-۳-۱۳-۳-۲ عقل، معرفت، تعلیم و تنبیه
۲۰۷ ۳-۳-۱۳-۳-۲ فضایل، صفات و رفتار نیکو
۲۰۸ ۴-۳-۱۳-۳-۲ دانش‌های زبانی
۲۰۹ ۵-۳-۱۳-۳-۲ تعریف اصطلاحی ادب
۲۰۹ ۶-۳-۱۳-۳-۲ تفاوت ادب و اخلاق
۲۱۲ ۴-۱۳-۳-۲ اصطلاح دوم ادب
۲۱۴ ۵-۱۳-۳-۲ سنجشی بین دو اصطلاح
۲۱۷ ۱۴-۳-۲ اخلاق و سایر علوم
۲۱۹ ۱۵-۳-۲ نتیجه فصل

۳. بخش سوم: بررسی دیدگاه‌ها در ارتباط با مناسبات فقه و اخلاق و نظر برگزیده

۲۲۵ ۱-۳ فصل اول: بررسی کلی دیدگاه‌ها
۲۲۵ ۱-۱-۳ گزارشی از گفتگوها
۲۳۱ ۲-۱-۳ نتیجه فصل
۲۳۳ ۲-۳ فصل دوم: دیدگاه جداانگاری و انفصال
۲۳۳ ۱-۲-۳ تنافر و ناسازگاری
۲۳۷ ۲-۲-۳ استقلال و تمایز
۲۳۸ ۱-۲-۲-۳ ماهیت علم:
۲۳۸ ۲-۲-۲-۳ موضوع:
۲۳۹ ۳-۲-۲-۳ محمول و حکم:
۲۴۴ ۴-۲-۲-۳ هدف و غایت:
۲۴۵ ۵-۲-۲-۳ قلمرو:
۲۴۶ ۶-۲-۲-۳ روش:
۲۴۶ ۷-۲-۲-۳ ضمانت اجرا:
۲۴۷ ۸-۲-۲-۳ منبع:
۲۴۸ ۳-۲-۳ نتیجه فصل
۲۵۱ ۳-۳ فصل سوم: دیدگاه ارتباط و پیوستگی
۲۵۱ ۱-۳-۳ اتحاد و یگانگی
۲۵۴ ۲-۳-۳ پیوند و وابستگی

۲۵۵	۱-۲-۳-۳. ابزارها و مدل‌های پیشنهادی پیونددهنده میان فقه و اخلاق
۲۵۵	۱-۱-۲-۳-۳. نظام چند ارزشی و رتبه‌بندی ارزش‌ها
۲۵۵	۲-۱-۲-۳-۳. فقهی کردن اخلاق
۲۵۶	۳-۱-۲-۳-۳. اصل و مبنا قرار دادن ارزش‌های فقهی برای اخلاق
۲۵۶	۴-۱-۲-۳-۳. اصل و مبنا قرار دادن ارزش‌های اخلاقی برای فقه
۲۵۷	۵-۱-۲-۳-۳. مقصود و روح شریعت
۲۵۸	۲-۲-۳-۳. عامل برگزیده پیوند: عقلانیت دینی
۲۵۸	۱-۲-۲-۳-۳. تعریف و انواع عقلانیت
۲۵۹	۲-۲-۲-۳-۳. اخلاق و عقلانیت
۲۶۰	۳-۲-۲-۳-۳. فقه و عقلانیت
۲۶۱	۱-۳-۲-۲-۳-۳. تاریخ عقل‌ورزی در فقه
۲۶۴	۲-۳-۲-۲-۳-۳. عقل، اصلی‌ترین منبع
۲۶۶	۳-۳-۲-۲-۳-۳. اصلاح فقه و روشنگری
۲۶۷	۴-۲-۲-۳-۳. عقلانیت یونانی
۲۶۸	۱-۴-۲-۲-۳-۳. یونان و یونان‌زدگی
۲۷۰	۲-۴-۲-۲-۳-۳. فلسفه و عقل
۲۷۱	۳-۴-۲-۲-۳-۳. عقلانیت یونانی و فقه
۲۷۳	۴-۴-۲-۲-۳-۳. ویژگی‌های عقلانیت یونانی
۲۷۳	۱-۴-۴-۲-۲-۳-۳. ریاضی‌گونه
۲۷۴	۲-۴-۴-۲-۲-۳-۳. جمود و خشکی و جزم اندیشی
۲۷۴	۱-۲-۴-۴-۲-۲-۳-۳. نامطلوب بودن تقلید و پیروی از گذشتگان
۲۷۵	۲-۲-۴-۴-۲-۲-۳-۳. تحمل آراء دیگران و توجه به نقص خود
۲۷۷	۳-۲-۴-۴-۲-۲-۳-۳. عصری بودن و همراهی با زمان
۲۷۸	۴-۲-۴-۴-۲-۲-۳-۳. مراتب تشکیکی
۲۷۸	۵-۲-۴-۴-۲-۲-۳-۳. ارائه عمومی و جهانی شدن
۲۷۹	۳-۴-۴-۲-۲-۳-۳. ذهن‌پردازی و تعمق‌های ناروا
۲۸۲	۱-۳-۴-۴-۲-۲-۳-۳. سادگی و تسامح
۲۸۲	۲-۳-۴-۴-۲-۲-۳-۳. دیدگاه همه‌جانبه و واقعی
۲۸۳	۱-۲-۳-۴-۴-۲-۲-۳-۳. مجموعه بینی و نگاه اجتماعی
۲۸۴	۲-۲-۳-۴-۴-۲-۲-۳-۳. مزاج و شرایط طبیعی

۲۸۴ باطن و حقیقت‌گرایی ۳-۲-۳-۴-۴-۲-۲-۳-۳
۲۸۵ کاربردی و عملی ۳-۳-۴-۴-۲-۲-۳-۳
۲۸۶ نامطلوب بودن متن محوری و سیطره نصّ ۴-۳-۴-۴-۲-۲-۳-۳
۲۸۶ عدالت امام جماعت: نمونه‌ای از اجتهاد در دستگاه عقلانیت غیر دینی ۵-۴-۲-۲-۳-۳
۲۹۶ عقل نظری و عقل عملی ۵-۲-۲-۳-۳
۲۹۶ دیدگاه نخست: عدم فرق ماهوی بین دو عقل و تفاوت بر اساس موضوع و مدرک ۱-۵-۲-۲-۳-۳
۲۹۹ رابطه عقل نظری و عقل عملی در این دیدگاه ۱-۱-۵-۲-۲-۳-۳
۳۰۰ توجیه عمل در عقل عملی ۲-۱-۵-۲-۲-۳-۳
۳۰۲ دیدگاه دوم: عدم فرق ماهوی بین دو عقل و تفاوت بر اساس نتیجه و غایت ۲-۵-۲-۲-۳-۳
۳۰۴ دیدگاه سوم: فرق ماهوی بین دو عقل ۳-۵-۲-۲-۳-۳
۳۰۶ عقلانیت دینی ۶-۲-۲-۳-۳
۳۰۶ عقل و درک کلیات و جزئیات ۱-۶-۲-۲-۳-۳
۳۰۸ قلب جایگاه عقل‌ورزی ۲-۶-۲-۲-۳-۳
۳۱۲ علم و قلب ۳-۶-۲-۲-۳-۳
۳۱۳ اخلاق و قلب ۴-۶-۲-۲-۳-۳
۳۱۴ عقل و اخلاق ۵-۶-۲-۲-۳-۳
۳۱۶ نتیجه فصل ۳-۳-۳
۳۱۹ نتیجه‌گیری
۳۲۱ منابع
۳۲۱ ۱. فارسی
۳۳۰ ۲. عربی
۳۴۵ ۳. انگلیسی
۳۴۶ ۴. مقالات
۳۵۳ نمایه
۳۵۳ اصطلاحات علمی
۳۵۶ اشخاص
۳۵۸ کتاب‌ها و مقالات
۳۵۹ Abstract

مقدمه

مناسبات فقه و اخلاق در جستجوی ارتباط و پیوندی میان دو دانش فقه و اخلاق است تا سازگاری و هماهنگی بیشتر این دو بخش مهم از معرفت دینی را فراهم آورد و هموارترین بستر و استوارترین روش برای استنباط فقهی و اخلاقی از متون و منابع دینی با هم‌گرایی موجه و قابل دفاعی از الزامات فقهی و ارزش‌های اخلاقی را ایجاد کرده و با بیان برخی آفت‌ها و آسیب‌های دستگاه فکری اجتهاد، زمینه‌های تاریخی جدایی اخلاق از فقه را بررسی نماید.

این اثر که با پشتوانه‌ای از بیست و چهار مصاحبه با اندیشوران حوزه و دانشگاه به نگارش درآمده است در سه بخش ترسیم شده است. بخش نخست که به طور معمول به بیان کلیاتی درباره موضوع بحث، جایگاه و هدف و اهمیت آن پرداخته و به پرسش‌های اصلی و فرعی تحقیق و فرضیه‌ها و نیز پیشینه پژوهش و روش آن اشاره می‌کند.

بخش دوم که در قالب سه فصل ترتیب یافته است پس از توضیحی درباره مرزبندی دو دانش فقه و اخلاق که به مقتضای تقسیم و طبقه‌بندی علوم صورت گرفته، به منظور شناخت دانش فقه، معانی لغوی و اصطلاحی فقه را جستجو می‌کند و عوامل انحصار فقه در خصوص احکام عملی را مورد بررسی قرار می‌دهد تا زمینه‌های تاریخی جدایی فقه اصطلاحی از اخلاق، که بیشتر مربوط به صفات می‌شده است، آشکار گردد؛ سپس از اعم بودن موضوع این دانش نسبت به رفتار و صفات دفاع می‌کند. همچنین از جهت منبع، رغبت افراطی و ناموجه به روایات منسوب به اهل بیت : بجای اصل قرار دادن قرآن کریم و سنت نبوی ﷺ و نیز بی‌اعتنایی به عقل و بنای عقلا را یادآوری نموده تا نشانه‌های ساختار فکری غیر مهذب در فقه کنونی نمایان گردد. آنگاه به شناخت و اهمیت دانش اخلاق پرداخته و بر اعمیت موضوع آن نیز نسبت به صفت و رفتار تأکید کرده و با بیان پیوندهای گوناگون اخلاق با دین، از عاملی که بتواند صبغه دینی اخلاق را تبیین و آن را پای‌بند به مقتضیات فقهی نماید گفتگو می‌نماید.

بخش سوم به سراغ آراء و نظراتی می‌رود که در تعامل و وابستگی و همپوشانی این دو علم وجود

دارد یا می‌تواند فرض شود. فصل نخست این بخش به بیان چکیده‌ای از دیدگاه کسانی می‌پردازد که درباره مناسبات فقه و اخلاق با آنها گفتگو شده است. در فصل‌های دیگر، نظرات مطرح شده در قالب دو دیدگاه جدانگاری و انفصال و دیدگاه ارتباط و پیوستگی ارائه می‌شود و نهایتاً مهمترین عامل پیوند دهنده میان فقه و اخلاق را تحت عنوان «عقلانیت دینی» پیشنهاد کرده و از آن دفاع می‌نماید.

درباره پیوند میان فقه و اخلاق، برخی فروکاستن از وسعت فقه موجود و رد نگاه حداکثری به دین و اختصاص آن به امور عبادی را تنها راه موفق می‌دانند؛ و بعضی حفظ فقه موجود همراه با اضافه توجه به سایر ابعاد دین و عدم اکتفا به قالب‌های ظاهری احکام را پیشنهاد می‌کنند. این نوشتار هرچند وسعت نفوذ احکام فقهی در کل زندگی و لزوم قانون‌گذاری دینی در همه زمینه‌های فردی و اجتماعی را نفی می‌کند و بر لزوم توجه به باطن و حقیقت احکام در کنار ظاهر و قشر آن هم تأکید می‌کند ولی عقلانیت دینی را عامل پیوندی می‌داند که حتی در همین فقه موجود و در همین اندازه از حجم آن هم جاری و پر توفیق است.

چنین عقلانیتی که مربوط به عملکرد انتزاعی تفکر و قالب‌پذیری خرد و ساختار فکری و فعالیت عقلی و دستگاه نتیجه‌گیری انسان است کار بست درست عقل‌ورزی در ساحت فقه و اخلاق را معرفی می‌کند. درنگ در فقه موجود و سرگذشت فقاهت و نحوه استنباط هر چند تلاش و اخلاص و جدیت در این باره را نمایان می‌سازد ولی به نظر می‌رسد به عللی چون تأثر از ساختار فکری یونانی و عدم توجه به تالیف فکر و قلب و عقل و اخلاق، تفقهی متورم و محروم از جامعیت و کارایی را سبب شده است.

عقلانیت دینی اندیشمند را وا می‌دارد تا با تهذیب فکری، به جای پرگویی و تعمق‌های ناروا و اقوال پیچ در پیچ و فروع زائد و دمیدن به شکم استدلال‌های بی‌فایده و تکثیر ادله، با دیدی واقع بینانه و برگرفته از مقتضیات زمان به سراغ منابع رفته و با ملاحظه مراتب تشکیکی و پرهیز از جمود و خشک اندیشی و تقلید از گذشتگان، استنباطی در راستای تقویت حیات پاک انسانی و توأم با زایش تقوا را به ارمغان آورد.

۱. بخش اول:

کلیات

۱-۱. تبیین بحث

۱-۱-۱. بیان مسئله

مناسبت در لغت به معنای سازگاری، وابستگی، هم‌آهنگی، پیوند و ارتباط است و بر نوعی اشتراک و هم‌شکلی و هم‌پوشانی دلالت دارد.^۱ مهم‌ترین ویژگی مناسبت آن است که می‌تواند وسیله‌ای برای پیدا کردن نوعی رابطه علیت بوده و بر مناسبت و مبنایی موافق رهنمون سازد.

مقصود از مناسبات فقه و اخلاق، بررسی ارتباط‌های پایه‌ای بین دانش فقه و دانش اخلاق است که به تشخیص حقیقت این دو علم و شفاف‌سازی و وابستگی میان آن‌دو، آن‌گونه که هستند و آن‌گونه که باید باشند، می‌پردازد.

همچنین مراد از فقه و اخلاق در این عنوان، علم فقه و علم اخلاق است، نه عمل به فقه و زیست اخلاقی. به بیان دیگر ارتباط این دو دانش از جهت نظری مورد ملاحظه قرار می‌گیرد و کمتر به ارتباط آنها در مقام عمل توجه می‌شود. این بحث به دنبال تأثیر و ارتباط اوصاف اخلاقی فقیه یا رفتار اخلاقی خاصی بر فرایند اجتهاد و استنباط نیست^۲ و درباره‌ی تعامل حیات فقهی و اخلاقی و یافتن قرابت سببی جهت رشد حیات اخلاقی گفتگو نمی‌کند، بلکه در پی ارتباط و تعامل میان علم فقه و علم اخلاق است. اینکه چگونه می‌توان به جای متمایز پنداشتن جنس پژوهش‌های فقهی با پژوهش‌های اخلاقی اخلاق را

۱. محمد فیروزآبادی، القاموس المحيط، (بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ه. ق.) ص ۱۲۶ و فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴ ه. ش.) ج ۲، ج ۲، ص ۳۰۲ و محمد معین، فرهنگ فارسی، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ ه. ش.) ج ۶، ج ۴، ص ۴۳۷۰ و علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ه. ش.) ج ۱۵، ج ۱۳، ص ۱۹۰۴۱.

۲. در این باره رک: سعید ضیائی‌فر، تأثیر اخلاق در اجتهاد، گفت‌وگو با جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه (قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸ ه. ش.)؛ و محمد محسن فیض کاشانی؛ با شرح سید عبدالله جزائری، التحفة السنیة، (نسخه خطی و میکرو فیلم کتابخانه آستان قدس) ص ۲۰۵: «و فی [حدیث] آخر: لا تحل الفتیا لمن لا یتفتی من الله بصفاء سره و إخلاص عمله و علانیته و برهان من ربه فی کل حال».

به حوزه دین و الزامات فقهی وارد ساخت و از فرایند اجتهاد فقهی - که هموارترین بستر استنباط از منابع دین در آن وجود دارد - بهره‌مند ساخت. و نیز به وسیله چه عاملی می‌توان به جای جدایی حداکثری دو دانش فقه و اخلاق به هم‌گرایی قابل دفاعی میان آن دو روی آورد و به علم اخلاق در عرصه معرفت فقهی پایگاهی موجه و واقعی داد و در نگاهی آسیب‌شناسانه و تأملی روش‌شناختی، دستگاه فقه و استنباط را با اصول اخلاقی و مقتضای آداب و ارزش‌های عقلانی پیوند عمیق‌تری بخشید. چه آفت و آسیبی در دستگاه نتیجه‌گیری و استنباط و عملکرد تفکر و ساختار فکری این دو دانش وجود دارد که زمینه‌های تاریخی جدایی اخلاق از فقه را فراهم آورده است.

۱-۱-۲. جایگاه بحث

گفتگو دربارهٔ مناسبات فقه و اخلاق با نگاهی درجه دو به علم فقه و علم اخلاق صورت می‌گیرد؛ نگاهی که هم جزو فلسفه علم فقه بحساب می‌آید و هم فلسفه علم اخلاق. امروزه ارتباط یک دانش با سایر علوم هم سنخ و تخصص‌های بین رشته‌ای از مقدمات پژوهشی یک تحقیق شمرده می‌شود و سبب ورزیدگی و عمق بیشتر و درک ابعاد مختلف آن دانش شده و گاه تحولات اساسی و بنیادینی در علوم پدید می‌آورد.

رویکرد این‌گونه پژوهش‌ها در مقام گردآوری اطلاعات، تاریخی و گزارشی و در مقام داوری و تحلیل، معرفت‌شناختی و عقلانی است؛ که ممکن است به مرحله توصیه و پیشنهاد منتهی شده و عمل به آن دگرگونی معناداری را در رشته‌های علمی به ارمغان آورد.

گفتگو درباره مناسبات فقه و اخلاق مربوط به جوامع اسلامی است و در غیر آن، بیشتر به عنوان رابطه حقوق و اخلاق ارائه می‌گردد؛ چرا که در سایر ادیان فقه چندان پربرار نیست و جایگاه ویژه‌ای ندارد.

۱-۱-۳. هدف

هدف از این پژوهش در راستای مهندسی علوم و حرکت به سوی تولید دانش‌های اصیل و کارآمد است؛ اینکه با تبیین دقیق دو حوزه فقه و اخلاق بر تحوّل‌پذیری و رونق و کارایی این دو دانش افزوده شود. از آنجا که احکام فقهی هسته‌های اخلاقی را در لابلای وجود خود پنهان کرده‌اند و بخش وسیعی از

۱. درباره دانش‌های درجه دو و فلسفه مضاف به علوم ر.ک: لويس ویلیام هلزی هال، تاریخ و فلسفه علم، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، (تهران: سروش، ۱۳۸۷ ه.ش.)، ج ۵، ص ۳۵۳؛ و نیکلاس کاپالدی، فلسفه علم، ترجمه: علی حقی، (تهران: سروش، ۱۳۸۷ ه.ش.)، ج ۲، ص ۳۷؛ و عبدالحسین خسروپناه، فلسفه فلسفه اسلامی، (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ ه.ش.): ص ۴۳؛ صادق لاریجانی، اقتراح، نقد و نظر، شماره ۱۲، ۱۳۷۶ ه.ش. ص ۱۵.